

بررسی ضرورت نفی شکنجه متهم در پرتو اصل احترام به کرامت انسانی در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی

محمد محمدی

دانشجوی دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

چکیده

اذیت و آزار بدنی و روحی که امروزه به عنوان خاص «شکنجه» شناخته می شود یکی از شدیدترین و آزار دهنده ترین جرایمی است که از ابتدای نسل بشریت تا به امروز وجود داشته است. پیشرفت و ارتقای سطح فرهنگ و حقوق در جوامع باعث شده است که این موضوع در دهه های اخیر هم در حقوق داخلی بسیاری از کشورها و هم در حقوق بین المللی در سطح توافقنامه های منطقه ای و بین المللی مورد توجه قرار گرفته و خود را نشان داده است و یکی از جرائم مهم بر ضد حقوق بشر در اسناد بین المللی به شمار می رود و تا بدان جا حائز اهمیت است که در اکثر کشورها تحصیل دلیل از طریق شکنجه کاملاً غیر قانونی و خارج از عرف قضایی می باشد و تحصیل دلیل از این طریق باطل و غیر قابل استناد است. جواز یا ممنوعیت شکنجه، همواره محل نزاع میان صاحب نظران بوده است. در نظام حقوقی اسلام نیز شکنجه نهی گردیده و برای انجام آن کیفر تعیین می گردد. مبنای عدم مشروعیت این عمل، توهین به کرامت و شرافت انسان است. نهادهای حقوق بشری تلاش های زیادی را در جهت محو کردن شکنجه از زندگی بشر انجام داده اند اما می توان امیدوار بود که به تدریج شکنجه از جوامع حذف و ممنوعیت آن در کشورهای مختلف به رسمیت شناخته شود. این تلاش ها از نظر تئوریک دارای آثار بسیار مطلوبی بوده است به گونه ای که امروزه قبح شکنجه امری مسلم بوده و هیچ دولت یا حکومتی نمی تواند زشتی این عمل را مورد تردید قرار دهد. با توجه به اصل احترام به کرامت انسانی که مهمترین اصل و زیربنای اصول حقوقی به شمار می رود، شکنجه چه به صورت جسمی و چه به صورت روحی باید به صورت کامل منع شود و دولت ها با قدرت حاکمیت خود مانع از انجام این عمل در سرزمین های خود شوند. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی با به کارگیری ابزار کتابخانه ای و نرم افزارهای جامع فقهی و پژوهش های دقیق صورت گرفته است.

واژه های کلیدی: اصل احترام به کرامت انسانی، ممنوعیت شکنجه، آزار جسمی و روحی، کنوانسیون منع شکنجه.

مقدمه

ممنوع بودن شکنجه یکی از مهم‌ترین هنجارها و ارزش‌های مورد تایید و به رسمیت شناخته شده در جامعه و حقوق بین‌الملل می‌باشد که با پیدایش و شکل‌گیری نظام مدرن حقوق بشری در اسناد مدون حقوق بین‌المللی مورد تایید و تثبیت قرار گرفته و ابزارهایی جهت حمایت از افراد در مقابل این اقدام ضد بشری (شکنجه) تدارک دیده شده است که البته در برخی موارد نیز این ابزارها برای جلوگیری از این عمل ضد انسانی موثر نبوده است. شکنجه نقض آشکار حقوق بشر و رفتاری علیه حرمت و کرامت انسان به شمار می‌رود. مجمع عمومی سازمان ملل این عمل را محکوم و حقوق بین‌الملل و نیز حقوق داخلی کشورها آن را منع نموده است. با این همه، شکنجه متهمان و محکومان پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اجتماعی بشر دارد و در این زمان نیز کشورهای اندکی ظاهراً توانسته‌اند از این اتهام خود را مبرا سازند.^۱

با توجه به این که شکنجه یکی از مهم‌ترین جرائم علیه افراد محسوب می‌شود، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حمایت بین‌المللی از حقوق اعضای خانواده بشری، منع و مبارزه با شکنجه است. پیشرفت‌های حقوق بین‌الملل در این زمینه جایگاهی خاص به قاعده منع شکنجه بخشیده است. احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد. شکنجه یکی از مذموم‌ترین و پلیدترین رفتارهایی است که ممکن است علیه انسانی دیگر به مورد اجرا گذاشته شود. شکنجه به تنهایی و به طور مستقیم بنیادی‌ترین حقوق انسانی را مورد تعرض و نقض قرار می‌دهد و از این جهت در بین تمام رفتارهایی که هر یک به نوعی ناقض حقوق انسانی است، شاید منحصر به فرد باشد. بر اثر شکنجه، حق حیات، حق تمامیت جسمی و روحی، حق کرامت انسانی، حق آزادی، حق حرمت حیثیت، حق امنیت، حق آزادی عقیده، و حتی حقوقی از قبیل حق برخورداری از غذای مناسب، حق برخورداری از بهداشت مناسب و... به اشکال و صورت‌های مختلف، به طور کلی یا بخشی از فرد سلب می‌شود. در فرآیند شکنجه یک موجود انسانی در تنهایی و ناتوانی در برابر انسان یا انسان‌هایی دیگر یا یک تشکیلات بزرگ، تحت اشکال مختلف رفتارهای خشونت‌بار غیرقانونی و مشروع و ناروا قرار می‌گیرد تا در نهایت چنان کند که آنان می‌خواهند و یا حداقل آنکه آتش کینه و انتقام ایشان را فرو نماند.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر منع این رفتار مطلقاً غیرانسانی و نهی جامعه بشری از تمسک به شکنجه تاکید دارد؛ اما واقعیت این است که تقریباً در تمام جهان، شکنجه همچنان به عنوان وسیله‌ای برای گسترش قلمرو اقتدار اصحاب قدرت خودنمایی می‌کند. امروزه حق‌رهایی از شکنجه در زمره حقوق بنیادین بشر و حقی تعلیق‌ناپذیر به حساب می‌آید که در همه حال باید رعایت شود. از این جهت ممنوعیت شکنجه جنبه مطلق دارد. همچنین ممنوعیت شکنجه در حقوق بین‌الملل نه فقط مبنای عرفی یافته است، بلکه در شمار یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل نیز درآمده است. در نظام حقوقی اسلام در فقه و قوانین جزا استفاده ابزاری از شکنجه حرام بوده و نگاه آن در مورد حرمت شکنجه هنوز نیز تغییر نکرده است. در واقع شکنجه یکی از شدیدترین جرایمی است که کرامت و مقام انسانی را خدشه دار کرده و لذا جرم حقوق بشری محسوب می‌شود. اسلام دین عزت و کرامت انسانی و همواره حامی اجرای عدالت و دفع ظلم می‌باشد البته در ادیان الهی برای هر کیفی جنبه اخلاقی آن مدنظر قرار گرفته و مجازات‌های سخت بدنی را نهی نموده‌اند و در آیه ۵۷ سوره مبارکه احزاب ایداء بندگان خدا هم پایه ایداء خداوند متعال و پیامبر گرامی اسلام (ص) دانسته شده است و می‌فرمایند: «مسلمان حرم خداست و رعایت حرمت یک مومن بزرگتر از حرمت خانه خداست». همچنین در قرآن کریم هرگونه ظلم و ستم به خویش و دیگران منع شده است و در آیات و گفتار معصومین (ع) نیز این مساله به وضوح مشخص می‌گردد، در دوران رهبری پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) هرگز کسی از طرف حکومت مورد شکنجه واقع نشده است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با صراحت تمام و به طور مطلق، شکنجه را ممنوع اعلام کرده است. مبنای این حکم را می‌توان در مفاهیم مقدس مکتب اسلام جستجو کرد. عموم و اطلاق ادله‌ی استنباط احکام شرع، ایراد هر نوع اذیت و آزار نسبت به انسان‌ها را ممنوع دانسته‌اند. هدف از این تحریم حفظ حرمت و شأن انسان می‌باشد. مفهوم ممنوعیت اعمال شکنجه در تعالیم اسلامی بسیار وسیع‌تر از مفهومی است که قواعد

^۱ - اردبیلی، محمدعلی، گفتاری درباره شکنجه و پیشگیری از آن، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۲، شماره ۱۰۵، صص ۲۲-۲۱.

حقوق بشری ارائه می‌دهند. حساسیت تعالیم اسلام در حرمت ایراد ایداء و اذیت نسبت به دیگران تا جایی است که در بحث اجرای مجازات‌های بدنی که اصل آنها بر ایراد اذیت و آزار بدنی نسبت به مجرم نهاده شده است نیز آثاری را از جهت تعیین احکام خاص به جای گذاشته است؛ بنابراین دین مبین اسلام از هر جهت، شکنجه را چه به لحاظ جسمی و چه به لحاظ روحی نفی نموده و برای نقض آن مجازات تعیین کرده است و کاملاً احترام به کرامت انسانی را در پرتو دستورات الهی بیان نموده است به دلیل آن که دین مبین اسلام دین رحمت و شفقت محسوب می‌شود و پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز به رحمه للعالمین مشهور و معروف می‌باشند

لذا در پژوهش پیش رو، نگارنده بر آن است تا بررسی ضرورت نفی شکنجه متهم در پرتو اصل احترام به کرامت انسانی در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی را بررسی نماید و بتواند تصویری واضح و روشن را در ذهن مخاطب از این مهم بر پایه دلایل و مستندات ایجاد نماید.

هدف پژوهش

این پژوهش در پی دست یافتن به این هدف است که تا بررسی نماید که ضرورت نفی شکنجه متهم در جامعه بین‌المللی و در واقع جامعه بشری تا به کجا مراعات شده است و حدود و صغور این مهم تا به کجا می‌تواند باشد؟ و این که آیا انسان متولد شده در مدرنیته با وجود پیشرفت‌های بشری و گسترش مدنیت می‌تواند باز هم همانند اعصار و قرون گذشته این عمل نقض کننده کرامت انسانی را مرتکب شود یا خیر؟

پیشینه

ای پژوهش و مقاله دارای پیشینه‌ای می‌باشد که جهت مطالعه خوانندگان عزیز و گرامی آن را در ذیل بیان می‌نماییم. حاجی ده‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی بیان نمودند که شکنجه از زمره مهم‌ترین جرایم علیه حقوق بشر می‌باشد. مبنای عدم مشروعیت این عمل، چه از لحاظ تعالیم مکتب اسلام و چه از لحاظ قواعد حقوق بشر، توهین به کرامت و شرافت انسان است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با صراحت تمام، ممنوعیت مطلق شکنجه را مورد پذیرش قرار داده است. مبنای این حکم را می‌توان در آموزه‌های مکتب مقدس اسلام و همچنین کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به ممنوعیت شکنجه جستجو کرد. عموم و اطلاق ادله شرعی، ایراد هر نوع اذیت و آزار نسبت به انسان‌ها را ممنوع دانسته است و جامعه جهانی نیز به شدت به دنبال ریشه کن کردن این پدیده شوم می‌باشد. نظام کیفری ایران به متابعت از اصول اساسی نظام حقوقی ایران و در راستای حمایت کیفری از اصول قانون اساسی اقدام به جرم‌انگاری شکنجه کرده است. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی جرم شکنجه را مورد حکم قرار داده است. این ماده به واسطه نواقصی که دارد نمی‌تواند ضمانت اجرای شایسته‌ای برای اصل ۳۸ قانون اساسی باشد. ولی به هر حال با عنایت به این که اصل ۳۸ قانون اساسی به نحو مطلوبی مسئله‌ی ممنوعیت مطلق شکنجه را مطرح کرده است، با اصلاح قوانین عادی و هم سو کردن آنها با اصول قانون اساسی می‌توان قدم بزرگی در پیش‌گیری از ارتکاب این جرم برداشت.^۱

طهماسبی (۱۳۹۴) در پژوهشی خاطرنشان نموده است که در بین نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل بشر اشتراک نظرهایی وجود دارد، ولی در موارد قابل توجهی، به ویژه میان نظام حقوق بین‌الملل بشر و نظام حقوقی اسلام، اختلاف تفسیر و برداشت مشاهده می‌شود. مهمترین موارد اختلاف نظر را می‌توان در تعریف آنها از انسان و مبانی و مصادیق شکنجه و وضع ساز و کار رسمی مقابله با آن ملاحظه کرد. در نظام حقوقی اسلام تاکنون از واژه شکنجه تعریفی ارائه نشده است و شکنجه از

^۱. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ احمدی، ابراهیم؛ صمصامی، جلال‌الدین، تبیین مبانی و نقد سیاست کیفری ایران در زمینه منع شکنجه، مجله حقوقی دادگستری (قوه قضائیه)، دوره

مصادیق ظلم و ستم محسوب گردیده است. مرتکب شکنجه برابر قوانین اسلامی ممکن است عامل دولت باشد یا نباشد، حال آن که در نگاه حقوق بین‌الملل بشری، ارتکاب شکنجه مستقیم یا غیر مستقیم به دولت باز می‌گردد. قرآن کریم در آیات متعددی هر گونه ظلم و ستم، ایذا و آزار، توهین و تمسخر، حتی در حد ایما و اشاره، نه تنها نسبت به غیر، بلکه نسبت به خود را ممنوع و حرام می‌داند و مومنان را به رعایت حدود الهی ملزم می‌سازد و هر اقدام خارج از مرزهای تعیین شده توسط شارع مقدس را فاقد رسمیت و موجب کیفر می‌داند. بدین ترتیب، شکنجه در دو نظام حقوقی اسلام و ایران، حتی در وضعیت‌های استثنایی مطلقاً ممنوع می‌باشد و مرتکب آن مستوجب مجازات است. در نظام حقوق بین‌الملل قید پایانی مقرر در تعریف ماده ۱ و همچنین مفاد مواد ۲۰ و ۲۸ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ و همچنین ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، که به دولت‌ها اجازه می‌دهد در صورت بروز یک خطر عمومی استثنایی که موجودیت ملت را تهدید می‌کند تدابیری خارج از الزامات مقرر در میثاق را اتخاذ نمایند، آشکار می‌سازد که در حقوق بین‌الملل ممنوعیت شکنجه مطلق نیست. باز گذاشتن دست دولت‌ها در تشخیص وضعیت استثنایی و تدابیر آنها، موجب خواهد شد حکومت‌ها از این روزنه استفاده کنند و قوانینی را که با اهداف حقوق بین‌الملل بشر منافات دارند، تصویب نمایند. به علاوه برخی با تفسیر موسع از امنیت و مواردی که صلح جهانی را تهدید می‌کنند، با استناد به مواد ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد، در صدد توجیه اقدامات لازم برای برقراری آرامش و دفع عوامل تهدید هستند. بدین‌سان، بعضی از مواد معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، نافی و یا کاهش دهنده تأثیر سایر مواد متضمن دفاع از حقوق بشر می‌باشند و امکان سوء استفاده، توجیه و انحراف از اهداف مورد نظر حقوق بین‌الملل بشر را فراهم می‌نمایند.^۱

حاتمی (۱۳۹۲) در پژوهشی بیان نمودند که امروزه در واقع شکنجه به عنوان یک جنایت علیه بشریت مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است و عملی است که مستقیماً بر روی تمامیت جسمی و روحی افراد و همچنین کرامت ذاتی انسان تأثیر می‌گذارد. اصل ممنوعیت شکنجه اصلی است که در حقوق جزای بین‌المللی نه تنها مطابق منابعی مثل معاهدات و عرف بین‌المللی تثبیت یافته، بلکه به دلیل اهمیت و شأنی که حراست و حمایت از حیثیت انسانی دارد و نقض آن موجب برهم خوردن نظم بین‌المللی می‌شود، تبدیل به یک قاعده آمره حقوق بین‌المللی شده است. صلاحیت رسیدگی به چنین نقض تعهداتی در موارد مختلف بر عهده دیوان کیفری بین‌المللی قرار گرفته است. در پژوهش پیش رو سعی شده است تا جایگاه شکنجه در رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در رابطه با شکنجه با نگاهی به اسناد موجود در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. به علاوه مطالعه وضعیت شکنجه در قوانین کشورمان جهت دستیابی به پاسخ این سوال که آیا امکان پیوستن ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه ۱۹۸۴ وجود دارد یا خیر، مورد نظر این پژوهش می‌باشد.^۲

حمزه (۱۳۷۸) در پژوهشی بیان می‌کند که شکنجه یکی از شدیدترین جرایمی است که در دهه‌های اخیر هم در حقوق داخلی بسیاری از کشورها و هم در حقوق بین‌الملل (در دو سطح جهانی و منطقه‌ای) مورد توجه قرار گرفته و «جرم حقوق بشری» به شمار می‌رود. در حقوق جمهوری اسلامی ایران، شکنجه در بهترین وجه ممکن تقبیح و منع گردیده است. قانونگذار در اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی شکنجه را در ابعاد روحی و جسمی آن ممنوع دانسته و در نظام حقوقی اسلام نیز ضمن نهی شکنجه، برای انجام آن کیفر تعیین شده است. مع الوصف، تلاش قوه مقننه در دوره ششم مجلس شورای اسلامی، جهت منع مطلق شکنجه بی نتیجه ماند. در حالی که نگارنده نه تنها دلیلی از کتاب و سنت و ... بر مشروعیت این

^۱ طهماسبی، جاوید، بررسی تطبیقی اصول و مبانی نظری و سازو کارهای تضمینی منع شکنجه در حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل بشر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه،

دانشکده حقوق، ۱۳۹۴.

^۲ حاتمی، میلاد، اصل ممنوعیت شکنجه در رویه قضایی بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۲.

پدیده نیافت، بلکه معتقد است ادله به وضوح، بر منع شکنجه دلالت دارند و به نظر می رسد عدم تصویب طرح ممنوعیت شکنجه، بلاوجه است.^۱

مبحث اول: مفاهیم و معانی شکنجه

گفتار اول. بررسی نگاه های متفاوت در تعریف شکنجه و مفهوم آن

لفظ شکنجه دارای معانی متفاوت اما تقریباً یکسان از منظرهای گوناگون می باشد. شکنجه در لغت به معانی مختلف از جمله عقاب، عقوبت، عذاب دادن دزد و گناهکار است البته در معنی آزار و اذیت، رنج، تعذیب و عذاب که به تن دهند، نیز آمده است.^۲ در اصطلاح فقهی، شکنجه را به واژه تعذیب می شناسند و این واژه برای امور شاقه و بسیار سخت و دشوار عاریه گرفته شده است و در همچنین به معنی کثرت ضرب به وسیله شلاق تعریف شده است.^۳ در ترمینولوژی حقوق با تاکید بر هدف شکنجه این واژه بدین گونه آمده است: شکنجه ایراد و آزار به متهم و غیرمتهم است تا اقرار به بزه یا تعهدی کند.^۴ ارائه تعریف دقیق از مفهوم شکنجه سهل و ممتنع است. سهل است از آن جهت که روح و فطرت آدمی، آن گاه که رفتار ناروای ناحقی روی می دهد، می تواند سره را از ناسره تشخیص دهد. در شکنجه نیز وقتی آدمی، بنا به فطرت خویش می تواند دریابد که در کجا و چگونه اذیت و آزار ناروایی علیه کسی اتفاق می افتد. آنجا که شخص مورد انواع ضرب و شتم های جسمی قرار می گیرد به راحتی می توان شکنجه را تشخیص داد؛ اما ممتنع است از حیث آن که روش های جدیدتری که با سوءاستفاده از پیشرفت های علمی، بی آنکه جسم فرد را مستقیماً هدف گیرد، روح و روان او را نشانه می رود و مدخل روح به آزار و شکنجه می پردازد.

در حال حاضر و با توجه به پیشرفت های جوامع می توان این تعریف کلی را از شکنجه ارائه داد که «شکنجه هر نوع عملی، غیر از مجازات های قانونی و آثار قهری ناشی از تحقیق و تعقیب قانونی است که به صورت عمدی، ارادی و مستقیم علیه دیگری به نحوی اجرا شود که موجب درد و رنج، آزار جسمی یا روحی و روانی فرد جهت تسلیم به اراده یا خواسته های عامل شود.» به طور معمول شکنجه زمانی به وقوع می پیوندد که فرد به طور قانونی یا غیرقانونی در حبس و بازداشت به سر می برد. در وضعیت حبس در محیطی منزوی و طبیعتاً در وضعیت کاملاً ضعیف در اختیار دیگری یا دیگران است که نسبت به او در آن شرایط در موقعیت اقتدار کامل قرار دارند.

شکنجه همیشه به هدف اخذ اقرار و اعتراف از قربانی اتفاق نمی افتد. اگرچه این بخش امروزه جزء رایج ترین و مشکل ترین مباحث راجع به منع شکنجه است. تقریباً در تمام پلیس های دنیا، انواع شکنجه برای اخذ اقرار رایج و مورد انتقاد است. معمولاً پلیس استدلال می کند در جرایم مختلف، خصوصاً جرایم سازمان یافته، سرعت در اخذ اطلاعات از مظنونین برای جلوگیری از وقوع فعل مجرمانه ای که در دست اجرا است، اهمیت درجه اول دارد. پلیس معمولاً ادعا می کند بدون اعمال فشار که همان شکنجه است امکان اخذ اطلاعات دقیق و کشف طرح مجرمانه برای پیشگیری از وقوع آن امکان پذیر نیست. این استدلال پلیسی اگر چه با موازین حقوق بشر قطعاً ناسازگار است، اما از نظر تحلیلی مبتنی بر تعارض واقعی بین نظم اجتماعی و هنجار های بنیادی است که قطعاً برای رفع آن باید به نوعی چاره اندیشی کرد که هم هنجار و ارزش بنیادینی همچون منع شکنجه نقض و مخدوش نشود و هم نظم اجتماعی دستخوش دسیسه های تبهکارانه نگردد. معمولاً شکنجه برای اخذ اقرار و اطلاعات در اوایل دستگیری قربانی اتفاق می افتد، اما در مواردی شکنجه برای پاکسازی روح و اندیشه، تحمیل عقیده و تحقیر شخصیت

^۱ حمزه، قاسم، بررسی ممنوعیت شکنجه در نظام حقوقی اسلام، نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دوره ۵، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۷،

صص ۶۷-۸۸

^۲ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۲۷۰۹.

^۳ نرم افزار نوالفقاها ۳ (فرهنگ موضوعی فقه اسلامی)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۸۸.

^۴ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، جلد ۲، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.

فرد ممکن است پس از مراحل تحقیقات نیز ادامه یابد. ایراد شکنجه موجب می شود فرد دچار مراتبی از فروپاشی شخصیت شده و حتی به وجود خود نیز شک کند. میل به حیات در وی نقصان می یابد و نسبت به بسیاری امور دچار بی تفاوتی می شود. در چنین شرایطی او یک موجود بی اراده است که با انفعال تمام با همه چیز مواجه می شود. خصوصاً در مواردی که شخص بر اثر مسائل فکری یا عقیدتی مورد تعرض قرار گرفته باشد، شرایط شکنجه ممکن است وی را برای پذیرش عقایدی که برای وی ابراز می شود، به صورت بی اراده و ناخواسته آماده کند.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز با استنباط از قوانین موضوعه شکنجه را می توان چنین تعریف کرد: هر گونه اذیت و آزار بدنی که ماموران دولتی یا صاحبان مقام رسمی و عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت شغل خود به قصد گرفتن اقرار از متهم مرتکب شوند.

گفتار دوم. مبانی و مفهوم کرامت انسانی بشر

جهت بیان و روشن شدن مفهوم کرامت انسانی، معانی لغوی و اصطلاحی آن را مورد بررسی قرار می دهیم. «کرامت» در لغت دارای معانی مختلفی است که مهم ترین آنها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت^۱. معادل انگلیسی واژه کرامت انسانی "human dignity" است که شرف، افتخار، استحقاق، احترام، عنوان، رتبه و مقام، امتیاز و شرافت برجسته معنا می دهد^۲.

با مشاهده دقیق و نقادانه در معانی لغوی کرامت انسانی به این نکته پی می بریم که کرامت، بیانگر دو نوع ویژگی و خصوصیت کاملاً متمایز در موجود انسانی است. برخی از این ویژگی ها رتبه، درجه و موقعیت و جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می کند؛ مثل کرامت شاه و شاهزاده و کرامت مؤمن. این نوع کرامت (کرامت اکتسابی یا ارزشی) قابل اکتساب است و قابلیت سلب شدن را نیز دارا می باشد و امکان دارد کاهش یا افزایش یابد؛ اما برخی از این ویژگی ها، مانند انسانیت، ذاتی انسان است و نه قابل سلب از انسان است و نه قابل وضع. این نوع کرامت که اصطلاحاً «کرامت ذاتی» گفته می شود، هیچ رتبه و درجه ای را بر نمی تابد. کرامت انسانی، علی رغم اهمیت بسیار والایی که دارد، تاکنون در هیچ یک از اسناد بین المللی و قوانین داخلی کشورها تعریف نشده است. با وجود این، فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده اند، کرامت انسانی را تعریف و معنای اصطلاحی آن را روشن سازند. علامه محمدتقی جعفری ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی می گوید: «در اسلام دو نوع کرامت برای انسان ها ثابت شده است که عبارت است از: ۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و دیگران آن را از خود سلب نکنند از این صفت شریف برخوردارند؛ ۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است^۳».

گفتار سوم. اصول و مبنای حمایت دین مبین اسلام از ممنوعیت شکنجه

دین مبین اسلام از همان طلیعه های آغازین ظهور نیز برای انسانیت ارزش و احترام والایی قائل بوده است و تاکید بسیاری از آیات، احادیث و روایات بر احترام به کرامت انسانی و منع آزار و اهانت به انسانیت می باشد. نزدیکی آدمی به خدا و اعتقاد به کرامت و ارزش والای انسان به حقوق بشر در نظام اسلامی موقعیت برجسته و ممتازی بخشیده است. از آنجا که اسلام دین مبتنی بر فطرت است بر حمایت جدی از حقوق بشر اصرار ورزیده و رعایت آن را در زمره ی مهم ترین واجبات به شمار آورده است. با توجه به شرافت و منزلت انسان در معرفت دینی، هرگونه ایذاء و رنج بر دیگری ممنوع و ارتکاب هر رفتار موهنی که

^۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۱۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۶۰۷۰.

^۲. Black, H.C. Black's Law Dictionary, 6th, U.S.A. West publisher, 1991, p.456

^۳. جعفری تبریزی، محمدتقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹.

مغایر با شأن و منزلت انسان باشد را نهی کرده است. به موجب این دیدگاه حقوق جزای اسلامی ضمن توصیف مجرمانه شکنجه و اهانت به دیگران، ارتکاب آنرا مستلزم پیگرد جزایی دانسته و این حرمت را به همه ی انسان ها تسری داده است.^۱ نظام حقوقی و فرهنگی ایران مبتنی بر اندیشه ای است که کرامت انسانی و عدالت گوهر آن را تشکیل می دهد. اندیشه اسلامی که از آیه شریفه «لقد کرمننا بنی آدم» و تاریخ درخشان شیعی نشات می گیرد گواهی بر این مدعا است. آن گاه که امیر المومنین و خلیفه دنیای بزرگ اسلام حضرت امام علی (ع) در جریان یکی از مظلومانه ترین شهادت های تاریخ به شمشیر زهرآگین جهل، در خون خویش غوطه می خورد، فرزندان و پیروان خویش را از هر نوع بد رفتاری با این ملجم مرادی برحذر می دارد. تا آنگاه که حاصل کار معلوم شود یا خود (در صورت درمان) به مجازاتش حکم دهد، یا آن که به ضربتی وی را قصاص کنند و بازماندگان را از هرگونه شکنجه و مثله در حق مجرم به شدت برحذر داشت. این واقعه تاریخی گویای گوهر اندیشه شیعی است که امروز بر تارک تاریخ می درخشد. این واقعه خود نشان دهنده عظمت و بزرگی دین مبین اسلام و ائمه اطهار (ع) می باشد و در واقع پیامی عظیم و بسیار مهم برای بشریت و نسل های آینده به همراه دارد.

با توجه به مطالبی که ارائه شد نظام حقوقی ایران نیز، نه تنها تناقضی با معاهدات بین المللی در زمینه منع شکنجه ندارد بلکه از همسویی زیادی با آنها برخوردار است. این ویژگی ها زمینه مناسبی برای تعامل فعال با مقررات و نهادهای بین المللی راجع به منع شکنجه را ایجاد نموده است.

گفتار چهارم. بررسی پشتوانه و حمایت کیفری - قضایی ممنوعیت شکنجه در نظام کیفری ایران

در جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی به عنوان برترین و مهم ترین قانون محسوب می شود و تمامی قوانین مدون باید منطبق بر اصول قانون اساسی باشند و هر قانونی که مغایرت با هریک از اصول قانون اساسی داشته باشند ملغی می باشد. طبق اصل ۳۸ قانون اساسی بر مبنای نظریه مشهور و مقبول فقهای امامیه اقدام به ممنوعیت شکنجه مطلق می باشد که اجرای صحیح این اصل در جامعه احتیاج به حمایت و پشتیبانی قضایی و کیفری دارد، ممنوعیت شکنجه را می توان از دو دیدگاه مد نظر قرار داد.

اول: ممنوعیت مطلق شکنجه در قوانین ایران

دوم: پیش بینی آن به عنوان یک جرم در قوانین کیفری ایران

باید در نظر داشت که ایران به قراردادهای و کنوانسیون های بین المللی متعددی که ممنوعیت شکنجه را مورد توجه قرار داده اند پیوسته است. قانونگذار ایران در سطوح مختلف قانون گذاری به اصل ممنوعیت شکنجه توجه زیادی دارد که مهمترین مقرره ی قانونی در ارتباط با ممنوعیت شکنجه در حقوق داخلی ایران اصل ۳۸ قانون اساسی می باشد که براین اساس (هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاعات را ممنوع و چنانچه شخص را مجبور به شهادت، اقرار یا سوگند نمایند، چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است). همچنین از مهم ترین قوانین که به این امر اشاره دارد قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی می باشد که در این ماده واحده ممنوعیت اعمال شکنجه مورد توجه قرار گرفته است که در بندهای ۶، ۷، ۹ این ماده به ممنوعیت شکنجه اشاره کرده است و از دیدگاه نظام حقوقی ایران هرگونه شکنجه ممنوع دانسته شده است. برای این مورد می توان به فصل دهم از کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی که به تقصیرات مقامات و مامورین دولتی اختصاص دارند مراجعه کرد. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی نیز به این مسئله پرداخته است. عنوان مجرمانه مندرج در این ماده، همان شکنجه جسمی است. برای این جرم در واقع دو نوع مجازات منظور شده است. یک مجازات، مجازات ناشی از میزان صدمه بدنی است که به قربانی وارد شده و تابع عناوین دیگر ماند جرح عمدی، یا قتل عمدی است؛ اما عنوان دیگر دقیقاً همان عنوان مجرمانه «شکنجه» است. در ماده ۵۷۸ ذکری از عنوان «شکنجه روحی یا روانی» نشده است. آیا این سکوت به معنای جواز شکنجه روحی یا روانی است؟ ماده ی ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، مستقیماً جرم شکنجه را مورد توجه قرار داده است. این ماده که تعریف جرم شکنجه را از دیدگاه نظام

^۱ صادقی، محمدحادی، رویکرد اسلام نسبت به شکنجه، مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۸۰.

کیفری ایران عنوان می نماید، ضمانت اجرای بخش از اصل ۳۸ قانون اساسی و صرفاً اخذ اقرار یا اذیت و آزار بدنی را جرم دانسته است که رکن قانونی را تشکیل می دهد.^۱

مسلماً اصل تفسیر مضیق قانون در امور کیفری مانع از توسعه مدلول ماده ۵۷۸ به نحوی است که مشتمل بر شکنجه روانی نیز بشود؛ اما می توان گفت جرم بودن شکنجه روحی یا روانی، به موجب ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی قابل اثبات است. با توجه به ماده ۵۷۰ «هر یک از مقامات و ماموران دولتی... افراد ملت را... از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر نقصان از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» چنان که در مطالب فوق الذکر هم عنوان شد منع شکنجه طبق اصل سی و هشتم یکی از حقوق ملت است که مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است؛ بنابراین واژه شکنجه در اصل سی و هشتم به طور مطلق ذکر شده و شامل همه نوع شکنجه می شود، که یکی از آن ها شکنجه روانی است؛ بنابراین شکنجه روانی نیز به حکم ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی جرم است. در یک استنتاج و استنباط کلی می توان دریافت مقررات اصل موجود در نظام حقوقی ایران با مهم ترین و اصولی ترین بخش های کنوانسیون منع شکنجه مطابقت داشته و حاکی از همسویی نظام حقوقی کشور با کنوانسیون است.

مبحث دوم. دلایل و مبانی ممنوعیت شکنجه از دیدگاه عقلی

علل منع شکنجه را نیز می توان از نظر و مبنای عقلی نیز مورد بحث و مذاقه قرار دارد. عقل از چند جهت شکنجه را عملی زشت و قبیح و به دور از شان انسانیت می شمارد.

الف. عقل تایید می کند که خداوند به دلیل بی نیازی و داشتن قدرت مطلق کاری را با انگیزه تشفی جویانه و ستمگرانه انجام نمی دهد چرا که با حکمت او مغایرت دارد.

ب. شکنجه موجب شکستن هنجارهای اجتماعی می شود و سیستم جزایی حاکم بر مردم را که باید مامن و ملجاء ستمدیدگان باشد به چالش می گیرد و آن را از اعتبار می اندازد؛ در نتیجه خسارت جبران ناپذیر و فضای غبار آلود ترس و بیم و نگرانی را در محیط اجتماع تا عمق زندگی شخصی افراد ایجاد می نماید و آینده را برای همگان تیره و تار می سازد. بدیهی است که عقل کاری را که این همه ضرر و زیان داشته باشد هرگز نمی پسندد و مجاز نمی داند.

ج. تحمیل شکنجه بر دیگری با اصول عقلی مانند اصل برائت و قاعده نفی سلطه کسی بر دیگری و نیز با کرامت ذاتی انسان منافات دارد و فقهای اسلام به حکم عقل، آن را ظلم و حرام دانسته اند.

د. دلیل عقلی ضرورت افسد به فاسد در باب تراحم، نمی توان مجوز اعمال شکنجه توسط مرتکبین آن باشد، زیرا استناد به این دلیل مورد مطلوب خود را می طلبد و مثلاً شکنجه بابت گرفتن اقرار و یا جهت اذیاء را به هیچ وجه شامل نمی شود.^۲

مبحث سوم. ضرورت نفی شکنجه در پرتو اصل احترام به کرامت انسانی در حقوق ملی و اسناد بین المللی شکنجه از جمله جرایم است که همواره در طول تاریخ بشر به اشکال مختلفی مورد استفاده قرار می گرفته است. تاریخ در ادوار مختلف شاهد تلخ ترین شکنجه ها بوده است. در دادرسی های کیفری شکنجه در جهت رسیدن به هدف که همانا اقرار است انجام می شده است. مکتب اسلام به شدت تحمیل هرگونه رنج و آزاری را ممنوع و ادله چهارگانه (کتاب، سنت، عقل، اجماع) نیز به روشنی بر تحریم شکنجه دلالت دارند. قرآن کریم در موارد متعددی به لزوم حفظ کرامت انسانی تاکید نموده است. مجامع بین المللی خصوصاً از آغاز قرن بیستم ممنوعیت شکنجه را مورد توجه قرار داده اند و متاثر از آن قوانین داخلی کشورهای مختلف است. از مهمترین اسناد بین المللی در این خصوص می توان اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، قراردادهای چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۹، اعلامیه شکنجه سازمان ملل متحد (۱۹۷۵) و کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل متحد (۱۹۸۴) را اشاره نمود. اعلامیه جهانی حقوق بشر، نخستین سند

^۱. شکر، رضا؛ سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر مهاجر، چاپ هفتم، ۱۳۸۷، ص ۵۸۷.

^۲. حمزه، قاسم، پیشین، صص ۶۷-۸۸.

حقوقی بین‌المللی است که موضوع منع شکنجه را صراحتاً مطرح کرده است. به موجب ماده ۵ اعلامیه، احادی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد. ماده ۱۴ اعلامیه جهانی، شکنجه را موجد حق پناهندگی دانسته و اعلام می‌دارد هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار پناهگاهی جست‌وجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند. ایجاد این حق، مطابق با بند ۲ همین ماده مشروط به آن است که تعقیب واقعاً مبتنی بر جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهای مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد نباشد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ میلادی نیز موضوع شکنجه را مورد توجه قرار داده است. بنا به ماده ۷ میثاق «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا قرار داد...» چنان که ملاحظه می‌شود، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، تعریفی از مفهوم شکنجه ارائه نکرده و به بیان کلی ممنوعیت آن، بدون ذکر مصادیق، اکتفا کرده است.

در اعلامیه اسلامی حقوق بشر که در ۱۹۹۰ میلادی در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره تصویب شد و به اعلامیه قاهره شهرت یافته است، مسئله منع شکنجه به صراحت ذکر شده که حاکی از نگاه دینی جهان اسلام در نهی و منع شکنجه است. ماده بیستم اعلامیه قاهره مقرر داشته است «... انسان را نباید شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به گونه‌ای حقارت آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی رفتار کرد...» تفکیک شکنجه به دو نوع «جسمی» و «روحی» که پیش از آن در کنوانسیون منع شکنجه نیز آمده بود، وجه شاخص ماده ۲۰ اعلامیه قاهره است. قانونگذار ایران نیز علاوه بر پیوست به برخی از قراردادهای و کنوانسیون‌های بین‌المللی ممنوعیت شکنجه را در قوانین داخلی خود مورد توجه قرار داده است. اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی به عنوان مهمترین مبانی ممنوعیت شکنجه در حقوق کشورمان می‌باشد. همچنین قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ و نیز قانون حفظ حقوق شهروندی نیز به لزوم احترام به کرامت انسانی و نفی شکنجه تاکید داشته است. با وجود تاکید قانونگذار در اصل ۳۸ بر ممنوعیت مطلق شکنجه به نظر می‌رسد قوانین عادی نتوانسته است نظر مقنن را در این خصوص به خوبی برآورده سازد.

مبحث پنجم. کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز مصوب ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

در قرن معاصر و با پیشرفت روز افزون وسایل ارتباطات جمعی و گسترش مدرنیسم، ممنوعیت شکنجه به صورت‌های مختلف در اسناد بین‌المللی منعکس شده و برای مقابله با شکنجه سازوکارهای متعددی در نظر گرفته شده است. کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز که به تاریخ دهم دسامبر ۱۹۸۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، مهمترین سند اختصاصی راجع به منع شکنجه است که به تفصیل به تعریف شکنجه و تکالیف دولت‌ها در مقابله با آن پرداخته است. طبق تعریفی که در ماده یک کنوانسیون ارائه شده است، «شکنجه یعنی هر فعل عمدی که توسط آن درد یا صدمه شدید اعم از جسمی یا روحی به منظور نیل به اهدافی از قبیل کسب اطلاعات یا اقرار از قربانی یا شخص ثالث، یا مجازات وی به خاطر عملی که او یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، یا تهدید و ارباب و اعمال فشار بر او... می‌باشد که این درد و رنج توسط یا به تحریک یا با رضایت یک مقام دولتی یا یک سمت رسمی وارد می‌آید...» همین ماده در ادامه تصریح می‌کند که «این تعریف شامل درد و رنج ناشی از اجرای مجازات‌های قانونی که خصلت آنها چنین درد و رنجی است، نمی‌باشد». به موجب این تعریف، شکنجه محدود به موارد خاص نیست و هر نوع عمل و اقدامی را که موجب درد و رنج مذکور در ماده یک شود، شامل می‌گردد. مهم آن است که عمل و اقدامی که علیه قربانی صورت می‌گیرد، اموری باشند که نوعاً و عرفاً و به ناروا دردناک و رنج‌آور باشند. کسب اطلاعات و اعتراف ممکن است یکی از اهداف شکنجه باشد. گاه شکنجه مقاصد دیگری را هم دنبال می‌کند مانند تسلیم اعتقادی فرد، جلب همکاری او، تخریب و تحقیر شخصیت و ... از دیدگاه کنوانسیون منع شکنجه، این گونه رفتارهای ظالمانه حتی اگر توسط دولت‌ها اعمال نشود ولی دولت‌ها در وقوع آنها نقش تحریک آمیز و به واقع کاتالیزور داشته باشد و یا نسبت به آنها رضایت حتی به صورت ضمنی داشته باشد، شکنجه‌ای که موضوع کنوانسیون است واقع شده است. ممنوعیت شکنجه مطلق، غیرمشروط و استثنا ناپذیر

است. اگر بسیاری از موارد مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، در موارد خاص و استثنایی و اضطراری ممکن است به صورت موقت محدود شوند، اما منع شکنجه در هیچ وضعیتی استثنای پذیر نیست.

بند ۲ از ماده ۲ کنوانسیون صریحاً اعلام می دارد «هیچ شرایط استثنایی اعم از وضعیت جنگی یا تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی یا هر وضعیت اضطراری عمومی دیگر نمی تواند به عنوان توجیهی برای شکنجه مورد استناد قرار گیرد». کنوانسیون منع شکنجه کلیه دولت های عضو را ملزم ساخته است که تمام اعمال شکنجه را در قوانین کیفری خود جرم ندانند و برای آنها مجازات های متناسب تعیین کنند.^۱ همچنین دولت های عضو کنوانسیون باید تضمین کنند که اطلاعات و آموزش های لازم راجع به ممنوعیت شکنجه به مجریان قانون، پرسنل پزشکی، نظامی یا کشوری، مقامات عمومی و اشخاص دیگری که با توقیف و بازجویی متهمان سروکار دارند داده شده است.^۲ و مقررات خود را در مورد شیوه های بازپرسی و توقیف و طرز عمل با اشخاص تحت بازداشت، به منظور جلوگیری از شکنجه، منظمأ مورد بازبینی قرار دهند.^۳

ماده ۱۷ کنوانسیون، برای نظارت بر اجرای کنوانسیون کمیته ای تحت عنوان کمیته ضد شکنجه تاسیس کرده است که از ۱۰ نفر متخصص و خبره دارای شهرت و اعتبار اخلاقی بالا و صلاحیت حقوق بشری مقبول تشکیل می شود. طبق ماده ۲۰ اگر کمیته اطلاعات موثقی را دال بر اعمال سیستماتیک و منظم شکنجه در سرزمین یک دولت عضو دریافت نماید، باید آن دولت را برای همکاری در زمینه ارائه اطلاعات و بررسی و تحقیق دعوت کرده و در خصوص اطلاعات مربوطه اظهار عقیده نماید؛ اما ماده ۲۸ نیز به دولت ها اجازه داده است در زمان امضا یا تصویب کنوانسیون یا الحاق به آن، اعلام کنند که صلاحیت کمیته در ماده ۲۰ را نمی پذیرند. تذکر این نکته لازم است که اشکال اساسی این کنوانسیون در مورد مفاد ماده اول و شانزدهم آن قابل طرح است؛ زیرا رفتارها و مجازات های ظالمانه که طبق این کنوانسیون هم ردیف شکنجه است، صرفاً یک سری مفاهیم انتزاعی است که به هر شکلی قابل تفسیر می باشد و باز شناسی مجازات مهم و ظالمانه از غیر آن، معیار و ملاکی ندارد که بر اساس آن بتوان گفت مجازات خاصی ممنوع است و مجازات خاص دیگری قانونی و مجاز است. لذا بسیاری از کشورها به دلیل همین ابهام و کلی گویی که در کنوانسیون وجود دارد، مایل به عضویت در آن نیستند. روندی را که خود کنوانسیون در مورد تفسیر آن بیان نموده است، چندان راه گشا نیست و نمی تواند معیار قرار گیرد و فقط به صورت موردی و جزئی ممکن است بتواند مشکل را بر طرف نماید؛ بنابراین این ایراد و اشکال فوق الذکر به کنوانسیون وارد است.

مبحث ششم. کرامت انسانی و ممنوع بودن شکنجه

بر اساس کرامت نوع انسان، هیچ انسانی را نمی توان بدون حکم قاضی، دستگیر و زندانی یا شکنجه کرد؛ چنان که در ماده بیست اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ماده پنج اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری باشد. در اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت افراد یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت افراد و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. شکنجه از زمره ی مهم ترین جرایم علیه حقوق بشر می باشد. مبنای عدم مشروعیت این عمل، چه از لحاظ تعالیم مکتب اسلام و چه از لحاظ قواعد حقوق بشر، توهین به کرامت و شرافت انسان است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با صراحت تمام، ممنوعیت مطلق شکنجه را مورد پذیرش قرار داده است. مبنای این حکم را می توان در آموزه های مکتب مقدس اسلام و همچنین کنوانسیون های بین المللی مربوط به ممنوعیت شکنجه جستجو کرد.^۴

^۱ - ماده ۴ کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز

^۲ - ماده ۱۰ (همان)

^۳ - ماده ۱۱ (همان)

^۴ . سرمدی، مهدی، تجزیه و تحلیل کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز، مجله دادرسی، شماره ۶۱، فروردین و اردیبهشت

نتیجه گیری

با توجه به توضیحات فوق الذکر، این نتیجه و برآیند به دست می آید که کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می شود که تمام انسان ها به جهت استقلال ذاتی، توانایی اخلاقی و وجهه و نفخه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند و کرامت اکتسابی آن نوع شرافت و حیثیتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضایل اخلاقی، آن را به دست می آورد؛ به عبارت دیگر، «هرچند همگان دارای شئون و حیثیت برابرند، اما انسان قادر است با به کار انداختن استعدادهای جمیله خود مراتب کمال انسانیت را طی کند و به مدارج عالی ارتقا یابد. بدین ترتیب است که رفتار انسانی منزلت های متفاوتی را ایجاد می کند و در نتیجه، افراد نسبت به یکدیگر برتری پیدا می کنند». نظام حقوقی اسلام با منابع نورانی خود قائل به تحریم شکنجه می باشد و همان طور که گفته شد حقوق اسلام با حمایت از حقوق بزه دیدگان و اتخاذ تدابیر لازم به منظور التیام بخشیدن به صدماتی که بر آنها وارد می شود، بر آن ها هرگونه اعتراف و اقرار ناشی از شکنجه را غیرنافذ و فاقد اثر حقوقی قلمداد کرده و به این ترتیب انگیزه میل داشتن مرتکب به اعمال شکنجه را به طور موثر محدود ساخته است؛ بنابراین قانونگذار لازم است که به صورت کامل تعاریف و مبانی شکنجه را چه از منظر روحی و چه از منظر جسمی تبیین نماید و مصادیق آن را بیان کند تا به صورت کامل مورد حمایت کیفری قرار گیرد.

پیشنهادات

۱. مدون ساختن قوانین منع شکنجه به صورت هماهنگ در سطح بین المللی
۲. ارائه تعریف دقیق از مستخدمین و ماموران دولتی از دیدگاه قوانین کیفری.
۳. ارائه تفسیر و رفع کامل ابهام در مورد کنوانسیون منع شکنجه
۴. ارائه تعریف دقیق از جرم شکنجه در قوانین کیفری که مطابق با اصول قانون اساسی باشد.
۵. توسعه شمول مفهوم شکنجه بر اعمالی که با هدف اخذ شهادت یا سوگند و یا سایر اطلاعات صورت می گیرد.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، گفتاری درباره شکنجه و پیشگیری از آن، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۲، شماره ۱۰۵، صص ۲۱-۲۲.
۲. حاجی ده آبادی، احمد؛ احمدی، ابراهیم؛ صمصامی، جلال الدین، تبیین مبانی و نقد سیاست کیفری ایران در زمینه منع شکنجه، مجله حقوقی دادگستری (قوه قضائیه)، دوره ۷۹، شماره ۹۰، ۱۳۹۴.
۳. حاتمی، میلاد، اصل ممنوعیت شکنجه در رویه قضایی بین المللی کیفری و دادگاه های ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۲.
۴. حمزه، قاسم، بررسی ممنوعیت شکنجه در نظام حقوقی اسلام، نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دوره ۵، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۷، صص ۶۷-۸۸.
۵. جعفری تبریزی، محمدتقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، جلد ۲، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۱۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۹. سرمدی، مهدی، تجزیه و تحلیل کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، مجله دادرسی، شماره ۶۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶.

۱۰. شکری، رضا؛ سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر مهاجر، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.
۱۱. صادقی، محمدهادی، رویکرد اسلام نسبت به شکنجه، مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۸۰.
۱۲. طهماسبی، جاوید، بررسی تطبیقی اصول و مبانی نظری و سازو کارهای تضمینی منع شکنجه در حقوق اسلام و حقوق بین الملل بشر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، دانشکده حقوق، ۱۳۹۴.
۱۳. کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز مصوب ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد
۱۴. نرم افزار نوالفقاہه ۳ (فرهنگ موضوعی فقه اسلامی)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۸۸.
15. Black, H.C. Black's Law Dictionary, 6th, U.S.A. West publisher, 1991, p.456

Investigating the Necessity of Defendant Torture Prohibition in the Light of the Principle of Respect for Human Dignity in Iran's Criminal Law and International Documents

Mohammad Mohammadi

PhD candidate of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Shiraz Branch

Abstract

The physical and mental harassment today known as "torture" is one of the most severe and abusive crimes that have ever been committed since the beginning of human generation. The advancement and promotion of the level of culture and rights in societies has led to further attention in recent decades to this issue both in the domestic laws of many countries and in international law at the levels of regional and international agreements so that it is regarded in international documents as one of the most important crimes against human rights. Moreover, obtaining a confession through torture is completely illegal and far from judicial conventions, and the confessions obtained in this way are already void and irrefutable. The choice between permission or prohibition of torture has always been a controversy among scholars. The legal system of Islam has also prohibited torture and has considered punishment for torturers. The illegitimacy of this act arises from the fact that it is a disrespect for human dignity. Human rights organizations have made many efforts to eradicate torture from human life, and hopefully it will be eliminated in societies and its prohibition will be recognized in different countries. Theoretically, these efforts have had many favorable positive effects, so that torture prohibition is taken for granted in many communities and no government can question and doubt its disgracefulness. Based on the principle of Respect for Human Dignity, which is the most important principle and indeed the core of the legal principles, torture, performed either physically or mentally, must be completely prohibited and governments must use their sovereignty and power to prevent this disgraceful act in their lands. This research has been conducted using a descriptive-analytical method, library tools and comprehensive jurisprudence software and careful scrutiny.

Keywords: the Principle of Respect for Human Dignity, the prohibition of torture, physical and mental harassment, the Convention on the Prohibition of Torture
